ف، هیرمند

۲۰۱۶/۰۱/۲۶

آقای عبدالاحمد فیض!
ایجاد بی باوری به محکمۀ جزایی بین المللی (I.C.C)
به دفاع از ظالم است و یا به دفاع از مظلوم؟؟

قسمت اول

نوشتۀ چند صفحه یی جناب عبدالاحمد "فیض" را که تحت عنوان " عدم کار آیی و فقدان میکانیزم های عملی محکمۀ بین المللی جزایی در تعقیب، دستگیری و مجازات ناقضان حقوق بشر" تحریر نموده و در سایت وزین گفتمان به نشر گذاشته بودند، مطالعه نمودم،

این نوشتۀ به ظاهر حقوقی حایز نکات مهم قابل مکث می باشد، که عدم توجه به این نکات مورد تأمل، راه گمی های مخرش ذهنیتی را نسبت به مسائل مطروحه به میان خواهد آورد.

خواهیم دید که چگونه ایجاد بی باوری ناظر به آی. سی. سی. به یک روش معافیت مدار برای متهمین به جنایات ضد بشری و مرتکبین جرایم علیه بشریت خواهد انجامید،

خواهیم دید که تخریب، تظلیل و اهانت به آی. سی. سی. چگونه به بروز یأس و ناامیدی برای قربانیان و بازماندگان قربانیان آن جنایات منجر می شود و خواهیم دید که چگونه تمایل مبارزه بر علیه دادخواهی برای قربانیان جنایات علیه بشریت در افغانستان از نتیجۀ استدلال نوشتۀ آقای فیض برون می آید و بالاخره ملاحظه خواهیم نمود که نوشتۀ جناب فیض چطور یکی از امکانات همکاری با جنبش تحقق و اجرای عدالت انتقالی را در وطن ما به استهزاء میگیرد و این گونه عدالت خواهی ها را با تحقیر آی. سی. سی. بی ارزش می سازد، و نیز اینکه چرا میان آغاز کار آی. سی. سی. در افغانستان و تحریر و نشر مقالۀ آقای فیض همزمانی وجود دارد.

چون جناب شان مسائل زیادی را در نوشتۀ خود به طور کلی رویهم نموده اند، ناگزیرم، این نقد را در دو قسمت جداگانه ارائه کنم؛ قسمت اصلی موضوع و قسمت حواشی مسئله که بیشتر توسط جناب فیض، سیاسی گونه مطرح و دنبال شده اند. به این ترتیب اول موضوع ایجاد بی باوری نسبت به آی. سی. سی. را باید ارزیابی نمود.

در گام نخست تصحیح شود که محکمۀ آی. سی. سی. عملاً از اوایل سال ۲۰۰۳ کار خود را آغاز نمود ه است نه آنطور که آقای فیض این تأریخ را به اواخر دهۀ ۹۰ رقم نموده اند ؛ محکمۀ جزایی بین المللی اولین گزارش کاری خود را به تأریخ ۲۰۰۵/۰۸/۰۱ جهت ارائه به اسامبلۀ عمومی ملل متحد تهیه نموده است پس واضح باشد که آغاز عملی کار محکمۀ موصوف بسیار دیر تر از آن بوده که جناب فیض جهت توجیه استنباطات خود از آن بهره جسته اند، به این صورت از آغاز عملی کار محکمۀ جزایی بین المللی کمتر از ۱۱ سال سپری شده خواهد بود، که بازهم زمان بسیار طولانی برای همچو محکمه ای شمرده نه خواهد شد. محکمۀ اختصاصی رسیدگی به قضایای یوگوسلاویای سابق و محکمۀ اختصاصی رسیدگی به قضایای راوندا، محاکم جداگانه ای بوده اند، که هر کدام از خود اساسنامه های جداگانه داشته اند.

تعقیب متهمین به جنایات بزرگ ضد بشری مورد بحث، کار بحث ساده و سهلی هم نمی باشد که **زمان گیری** آن را نادیده گرفت، همین حالا در محکمۀ جزایی بین المللی قضایای اند که تحت رسیدگی قرار دارند؛ تحقیق، مستند سازی، جمع آوری مدارک و اسناد، اسباب، دلایل و شهود برای اثبات و مؤثق سازی جنایات ارتکابی متهمین، به شیوه و سبک آن محکمه، خود زمان گیر ولی معیاری و قابل اطمینان و اعتماد می باشد.

بر اساس اسناد مورخ ۲۰۱۵/۱۲/۲۷ خود آی. سی. سی. آن محکمه قضایای کشور هایی را که در مرحلۀ "رسیدگی مقدماتی" قرار دارند چنین فهرست نموده است:

۱- افغانستان، ۲ – کلمبیا، ۳ – نایجیریا، ۴ - گرجستان، ۵ – گینی، ۶ – عراق، ۷- اوکراین، ۸ – فلسطین، ۹ – اندوراس.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

و آن ممالکی را که قضایای شان در مرحلهٔ " تحقیق " قرار دارند، چنین فهرست کرده است:
۱ - جمهوری دموکراتیک کانگو، ۲ – جمهوری افریقای مرکزی ۱، ۳ – اوگندا، ۴ – سودان(دارفور)، ۵ – کینیا، ۶ – لیبیا، ۷ – ساحل عاج، ۸ – مالی، ۹ – جمهوری افریقای مرکزی۲
بجا خواهد بود تا دو مثال استثنایی کار محکمهٔ جزایی بین المللی را متذکر شوم:
اول: - وبسایت هشت صبح به تأریخ ۲۵ قوس ۱۳۹۴ ه ش (۱۷ دسامبر ۲۰۱۵) گزارش داد که محکمهٔ جزایی بین المللی (I C C) تقریباً هفت ماه قبل از دولت افغانستان تقاضا نموده بود تا امکانات و زمینهٔ کار آن محکمه را جهت رسیدگی به جنایات بین المللی ضد بشری، درآن کشور فراهم سازد، اما آن دولت در این مورد هیچ کاری را انجام نداده است، اعضای **"گروه هماهنگی عدالت انتقالی "** که متشکل از نهاد های مدنی و سازمان های حقوق بشری می باشد، دولت افغانستان را فاقد توانایی ها، ظرفیت ها و ارادهٔ لازم برای تعقیب متهمین به جنایات بزرگ بین المللی و جنایات مناقض حقوق بشری دانسته اند و بناءً این مهم به دوش محکمهٔ جزایی بین المللی می ماند که به تعقیب، تحقیق و به محاکمه کشانی متهمین آن جنایات در افغانستان بپردازد، زیرا تنها از سال ۲۰۰۳ م به این طرف ۱۱۲ قضیهٔ جنایات جنگی، جنایات مناقض حقوق بشری و سایر جنایت های از این دست در کشور ما ارتکاب یافته که مستلزم تعقیب و رسیدگی می باشند.
طوریکه اسناد و گزارش های (آی سی سی) نشان میدهد، آن محکمه مصمم به تعقیب و رسیدگی قضایای ارتکابی جنایات بزرگ بین المللی در افغانستان و سایر نقاط جهان می باشد .
وقایع جنایات ارتکابی میان سال های۱۳۵۷ و ۱۳۸۱ ه ش (۱۹۷۸ تا ۲۰۰۳) که کلکسیون کامل انواع جنایات بزرگ بین المللی و مناقض حقوق بشری را احتواء می کند، می تواند با بدست آوردن صلاحیت استثنایی، توسط آی. سی. سی. مورد رسیدگی قرار داده شود که در این مورد مردم کشور ما از طریق نهاد های مدنی و حقوق بشری افغانستان خواهان اجرای "عدالت انتقالی" به وسیله و یا به همکاری آی. سی. سی. گردیده اند تا عدالت در این ساحه تحقق یابد.
با در نظر داشت معلومات فوق، مبرهن است، در عقب نوشتهٔ جناب "فیض" این نگرانی حس می شود که ممکن است، روزی این محکمه از سوی مراجع ذیصلاح ملی و بین المللی ، صلاحیت رسیدگی به قضایای جنایات بزرگ ارتکاب یافته در وطن ما، افغانستان را نیز پیدا کند، نگرانی از این جهت معلوم می شود که همزمان با اعلام آغاز کار آی. سی. سی. در افغانستان، جناب فیض مقاله اش را در این مورد تهیه و به نشر می سپارد تا در باطل گردانی و بی اعتبار سازی آن محکمه مواردی را به تبلیغ بگذارند.
این تشویش و نگرانی بی مورد نیست زیرا در افغانستان، اعتبار از کودتای ثور ۱۳۵۷ تا حالا جنایات بزرگی رخ داده است که همهٔ این جنایات شامل فهرست جنایات بین المللی حایز خاصیت "مرور زمان ناپذیری" می باشند این جنایات **شامل اعدام های دسته جمعی و گروپی دارای ماهیت کشتار دسته جمعی، کشتار و اعدام های بدون ارتکاب کدام جرم، زندانی و کشتار اشخاص به خاطر عدم موافقت شان با نظام سیاسی خود کامگان، زندانی کردن های خود سرانه و نیز به خاطر عقاید افراد، شکنجه، ناپدید کردن انسان ها، گروه های وسیع انسان ها را مجبور و ناگزیر ساختن به ترک خانه و وطن شان، شرایط کامل تخریب سرتاسری دولت و نظام دولتی، کشتار های دسته جمعی، جینوساید (نسل کشی)، جنایات جنگی در حالت صلح و در حالت جنگ، تجاوزات و بردگی جنسی و ده ها جنایت دیگری** که ممکن است در اینجا از تذکر باز مانده باشند.
دوم: اندونیزیا نیز در این زمینه عارض بوده و خواهان رسیدگی به وقایع آن کشور می باشد؛ در ماه نوامبر ۲۰۱۵ داد خواهی برای رسیدگی قضایای قتل عام سال ۱۹۶۵ م در اندونیزیا، توسط فامیل های قربانیان و نهاد های حقوق بشری آن کشور به محکمهٔ آی. سی. سی. در لاهه ارائه شد، دوسیه های آن وقایع توسط شخصیت های مهم محکمهٔ آی. سی. سی.، چون خانم **"هلن جارویس"** معاون آن محکمه و عضو کمیتهٔ مشورتی سازمان ملل متحد در یونسکو و قاضی **" سی فلیترمن"** عضو سابق شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، دریافت شدند، طبق وعدهٔ موصوفان، قرار ایشان را در مورد قضایای سال ۱۹۶۵ اندونیزیا، در اوایل سال ۲۰۱۶ اعلام خواهند کرد.
باید دید آیا آی. سی. سی. صلاحیت رسیدگی به قضایای ارتکابی ماقبل سال ۲۰۰۳ را حایز خواهد بود؟
کاویدن و تحلیل مواد متعلق به صلاحیت ماهوی و زمانی آی. سی. سی. در اساسنامهٔ آن، این سوال را پاسخ خواهد گفت.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

در این مورد مادۀ ۱۱، بند ۲ اساسنامۀ آی. سی. سی. میگوید، بند۲ : « اگر کشوری بعد از انفاذ این اساسنامه به آن بپیوندد، دادگاه تنها در مورد جرایمی صلاحیت قضایی خواهد داشت که پس از لازم‌الاجراشدن این اساسنامه در آن کشور اتفاق بی افتد، مگر آنکه کشور مزبور بر اساس بند ۳ ماده ۱۲ صلاحیت دادگاه را پذیرفته باشد.»
بند ۳ مادۀ ۱۲ چنین میگوید بند ۳ : « در صورتیکه رضایت کشوری که عضو این معاهده نیست بر طبق بند ۲ مورد نیاز باشد، کشور مزبور می‌تواند با تحویل اظهارنامه خود به مسئول ثبت دادگاه، صلاحیت قضایی دادگاه نسبت به جرم مورد بحث را قبول نماید. کشور قبول کننده باید بدون هیچگونه تأخیر یا استثناء، بر طبق مفاد بخش ۹، با دادگاه همکاری نماید».
برای اطمینان بیشتر لازم می آید، بند ۲ مادۀ ۱۲ و نیزاسم محتوای بخش ۹ اساسنامه را متذکر شویم:
مادۀ ۱۲، بند ۲ : « دادگاه ممکن است در صورت تحقق شرایط مندرج در ماده ۱۳، بند (الف) یا (ج)، اگر یک یا چند تا از کشورهای ذیل عضو این معاهده باشند یا صلاحیت قضایی دادگاه را بر طبق بند ۳ پذیرفته باشند، صلاحیت قضایی خود را اعمال نماید».
بخش ۹ اساسنامه " همکاری های بین المللی و همیاری های قضایی" نام دارد که به چگونگی همکاری ها و رعایت استندرد های قضایی بین المللی و سایر مسائل همکاری در پیشبرد رسیدگی این قضایا اختصاص یافته است.
به این صورت طوریکه محتوای بند ۳ مادۀ ۱۲ حاکی است ممانعتی در رسیدگی به قضایای ماقبل سال های ۲۰۰۳ م نزد محکمه وجود نه داشته ولی مستلزم شرایطی، مانند، احراز صلاحیت استثنایی، قبولی دولت موضوع رسیدگی وعدم مخالفت شورای امنیت خواهد بود ، توجه باید داشت که در مادۀ ۱۱ بند ۲ اساسنامه، کلمۀ " مگر" را در مورد صلاحیت موضوعی اش (قضایای سال های برون از لازم الاجرا شدن اساسنامه) به کار برده است و نه در بارۀ صلاحیت موضعی (کشور های عضو و کشور های غیر عضو) که این صلاحیت موضعی در سایر مواد اساسنامه صراحت و وضاحت کامل یافته است.
از سوی دیگر در حالتی که شورای امنیت سازمان ملل متحد صرف به منظور صلح و امنیت بین المللی صالح به تعویق انداختن یک رسیدگی توسط آی. سی. سی. می باشد، نیز اختیار دارد که رسیدگی های قضایای ماقبل انفاذ اساسنامه را به محکمه سفارش نماید.

آن محکمه مؤظف و مکلف است بر اساس قواعد حقوقی و قضایی پیشرفته و پذیرفته شدۀ امروزی به تثبیت قضایا و مجرمان اقدام بورزد ، که این خود محکمه را به صرف مدت زمان زیادی ناگزیر می سازد .
بعضی ها بدور از ماهیت آرمانی آی سی سی، به این محکمه به دیدۀ یک ارگان سیاسی می نگرند، درحالیکه این محکمه که متخلفین و ناقضین حقوق بشری را به پای میز محاکمه می کشاند، اصل غیر جانبداری و غیر سیاسی بودن از خصایل اساسی آن می باشد، اتهام و تصور سیاسی بودن به آن نمی چسپد، تصور این چنینی سبب میگردد که عده ای متوقع باشند آی. سی. سی. به اسرع وقت اشخاص را به پولیگون تیرباران ارسال بنماید.
باید دانست که آن محکمه "فاقد میکانیزم های عملی" نمی باشد؛ دست اندر کاران تسوید و تصویب اساسنامۀ آن محکمه، تمام مراحل و پله های یک اصول محاکماتی بی نهایت مکمل ،علمی و حقوقی را در آن تعبیه نموده اند، این ابزار های کاری یا رهنمود های رسیدگی از مواد ۱۱ شروع شده و به صورت مرحله یی در تمام مندرجات اساسنامه ادامه پیدا میکند و بعداً از مادۀ ۵۱، این اصول محاکماتی صراحت و وضاحت مشخص به خود میگیرد، در این خلال اصل های تشکیلاتی و صلاحیت محکمه و قضات آن، همراء با صلاحیت های څارنوالی آن محکمه در خلال همین مواد تصریح می یابد.
آی. سی. سی. وسایل کامل را ناظر به « شیوۀ رسیدگی» و طرزکارمحاکماتی در اختیار دارد، و این " اصول محاکماتی" آن خیلی دقیق، حرفه یی و علماً تنظیم شده نیز است که هر گونه ادعای هوایی "فقدان میکانیزم های عملی" را در بارۀ آن محکمه دروغ ثابت میکند.
برای نمونه در این جا چند ماده ای از آن اساسنامه یادداشت می شود:
«ماده ۲۱
قوانین حاکم
(1- محکمه قوانین ذیل را به کار خواهد گرفت:
الف) در درجه اول، این اساسنامه، عناصر جرم و اصول محاکماتی و ادله اثبات دعوی؛
ب) در درجه دوم، در صورت مناسبت، معاهدات و اصول و مقررات قابل اعمال حقوق بین الملل، از قبیل اصول پذیرفته شده حقوق بین الملل در مورد منازعات مسلحانه؛

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ

ج) در صورت عدم امکان به کارگیری قوانین فوق، اصول کلی حقوقی که توسط محکمه از قوانین ملی دستگاه های حقوقی جهان در موارد مربوطه، استخراج گردیده است، از قبیل قوانین ملی کشورهایی که معمولاً بر روی این نوع جرایم اعمال صلاحیت می کنند، مشروط بر آنکه آن اصول تناقضی با این اساسنامه و با حقوق بین الملل و معیارها و استندرد های شناخته شده جهانی نداشته باشند.
(2 محکمه می تواند اصول و مقررات حقوقی را به شکلی که در تصمیمات قبلی تعبیر گردیده، به کار بندد.
(3 تطبیق و تفسیر قوانین به موجب این ماده، باید با قوانین شناخته شده بین المللی حقوق بشر مطابقت داشته و بدون هرگونه تبعیض و تعارض منبعث از دلایلی چون جنسیت آنطور که در ماده۷، بند ۳ تعریف شده، سن، نژاد، رنگ، زبان، مذهب یا عقیده، عقاید سیاسی و غیره، منشاء ملی، قومی یا اجتماعی، ثروت، وضعیت تولد یا امثالهم صورت گیرد.»
و این هم یکی دو مادۀ دیگر از اساسنامه: « ماده ۷۰
تخلفات مربوط به اجرای عدالت
(1محکمه نسبت به تخلفات ذیل در صورتی که عمداً مانع اجرای عدالت توسط محکمه شوند، صلاحیت قضایی خواهد داشت:
الف) در صورتی که با وجود ادای سوگند برای بیان حقیقت به موجب ماده ۶۹ بند ۱، شهادت کذب دهد؛
ب) ارائه شواهد و مدارک توسط شخص، هنگامی که وی از کذب یا جعلی بودن آنها آگاه است؛
ج) تأثیر فاسد گذاشتن بر شهود، مانع شدن از یا مداخله کردن در حضور شهود و ادای شهادت آنان، انجام اقدامات تلافی جویانه علیه شهود به دلیل شهادت دادن، یا تخریب، مخدوش نمودن یا اخلال کردن در امر گردآوری شواهد و اسناد؛
د) ممانعت کردن، تهدید نمودن یا پرداختن رشوه به یک مقام رسمی محکمه به منظور اجبار یا ترغیب وی به عدم اجرای وظایف خود یا اجرای نادرست آن؛
هـ) انتقام جویی علیه یک مقام قضاء به دلیل وظایفی که توسط او و یا یکی دیگر از همکاران او انجام شده؛
و) پرداخت یا قبول رشوه به عنوان یک مقام رسمی محکمه در ارتباط با انجام وظایف رسمی وی.
(2 اصول و قواعد حاکم بر اعمال صلاحیت محکمه بر روی تخلفات مربوط به این ماده، همان اصول و قواعدی خواهند بود که برای اصول محاکمات جزایی و ادله اثبات دعوی مقرر شده اند. شرایط ایجاد همکاری بین المللی با محکمه در ارتباط با مراحل رسیدگی مطابق این ماده، تحت تسلط قوانین داخلی کشور مورد تقاضا خواهد بود.
(3 در صورت محکومیت، دادگاه می تواند یک دوران حبس حداکثر پنج ساله یا جریمه ای مطابق اصول محاکمات و ادله اثبات دعوی یا هر دو را تعیین نماید...»
جناب فیض در نوشتۀ شان مدعی اند که آی. سی. سی. با سازمان ملل متحد هیچگونه رابطه ای ندارد، باور ندارم که این محکمه با سازمان ملل متحد بی رابطه باشد وقتی گزارش های کاری خود را به اسامبلۀ ملل متحد ارائه میکند معنی آن را دارد که با سازمان های مربوط به ملل متحد رابطۀ جدی کاری و مسؤولانه دارد، وقتی شورای امنیت صرف در محدودۀ مسؤولیتش مستند به مندرجات فصل هفتم منشور ملل متحد، مبنی بر تأمین و حفاظت از امنیت و صلح جهانی مدت رسیدگی یک قضیه را نزد آن محکمه طولانی می سازد، به همین مفهوم است که سازمان ملل متحد رابطۀ جدی کاری با آی. سی. سی. دارد و دقیقاً به همین سبب است اگر حیطۀ کاری و صلاحیت های آی. سی. سی. را در ورای فهم از منشور سازمان ملل متحد – مخصوصاً مندرجات فصل هفتم آن – تشخیص کنیم مسائل زیادی خواهد بود که به طور مکمل قادر به درک آن نه خواهیم گردید، به این رابطه در مادۀ پنجم اساسنامه دربند۲ آن صراحت کامل داده شده است، وجود این رابطه هرگز به بی طرفی محکمه صدمه نزده بلکه اعضای ملل متحد را در تقویۀ هر چه بیشتر صلاحیت و توانایی های این محکمه متعهد نگه می دارد.
در روز ها و ماه های اول تسوید اساسنامۀ این محکمه، زمینه های وسیع برای دادن اطمینان به دولت های که از جهت از دست دادن حاکمیت قضایی(به گفتۀ آقای فیض) ایشان مشوش بودند، موادی در اساسنامه گنجانیده شد تا آن دولت ها از این نگرانی رهایی یابند که صلاحیت های ملی ایشان را در مورد به محکمه کشانی این افراد از دست خواهند داد، اساسنامه سعی نموده است دولت ها را به اتخاذ این روش ترغیب کند که خود دولت ها به تعقیب و محاکمه کشانی متهمین به ارتکاب جنایات ضد بشری در قلمرو ایشان اقدام کنند.
مگر در مورد وقایعی که به دلایل مشخصی ازرسیدگی دولت ها در قلمرو ملی، باز می مانند، آی. سی. سی. می تواند آن قضایا را طی یک طرزالعمل محاکماتی مشخص مورد رسیدگی قرار بدهد، این رسیدگی بعضاً بر اساس

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

مندرجات منشور سازمان ملل متحد ماهیت الزامی را به خود خواهد گرفت و منوط به موافقت کشور موضوع رویداد و یا عضویت آن در موافقین اساسنامۀ آی. سی. سی. نه خواهد بود، در این باره به متن ماده ۱۰۳ منشور سازمان ملل متحد استناد می شود که میگوید که :« در صورت تعارض بین اعضای ملل متحد به موجب این منشور و تعهدات آنها بر طبق هر موافقتنامۀ بین المللی دیگر، تعهدات آنها به موجب این منشور مقدم خواهد بود. »
دولت ها در زمینۀ همکاری و انتقال متهمین به آی. سی. سی. ملزم میگردند، این ماده افادۀ آن را دارد که تصامیم شورای امنیت ملل متحد ناظر به تعقیب متهمین مورد نظر ماهیت الزامی پیدا میکند، این ماده، اثرات نامساعد سؤی تعبیر از مادۀ ۹۸ اساسنامۀ آی. سی. سی. را که دولت ها را در عدم انتقال متهمین و عدم همکاری آنان به محکمه کاملاً مخیرنشان بدهد، مرفوع خواهد ساخت.
در اساسنامۀ آی. سی. سی. موادی موجود است که به طور همه جانبه صلاحیت های شامل در حاکمیت ملی دولت ها را در نظر گرفته است، ولی این رعایت حاکمیت ملی در ماهیتی نخواهد بود که عدالت و اصول حقوق بشری نقض و زیر پا شود، به محتوای مفهوم حاکمیت ملی نیز نباید صرف به تعابیر کلاسیک این اصطلاح متکی بود.
ممکن است این انتقاد تا حدودی وارد باشد که محکمۀ جزایی بین المللی (آی. سی. سی.)، آن طور که می باید تا حالا قادر نه شده است، تعداد کثیر از متهمین به ارتکاب جنایات بزرگ بین المللی را مورد محاکمه قرار بدهد که این وضعیت هم از خود اسباب و دلایلی دارد، برخی ازاین دلایل را میتوان به طور خلص در زیر متذکر شد:
- بعضی از دول تاهنوز عادت نه کرده اند تا خود ها را با وضعیت فعلی تحول یافتۀ حقوقی - به خصوص تحولات ناظر بر تعقیب و به محاکمه کشانی متهمین به ارتکاب جنایات نامبرده - تلفیق دهند و تا هنوز در عقب حریر مقدس!! حاکمیت ملی پنهان می شوند، این حالت، دوران رسیدگی این قضایا را به تعلل گرفتار آورده و یا مختل می سازد، به خاطر داشته باشیم که در زمان ما حاکمیت های مشروع همان حاکمیت های اند که با رأی مردم ایشان به قدرت رسیده باشند و چنین حاکمیت های با شناسایی از سوی مجامع بین المللی، مشروعیت پیدا کنند، برای ادعای حراست از حاکمیت ملی تنها تصاحب قدرت و زورگویی بالای نفوس یک کشورتمسکی برای حاکمیت مزبور مکفی شناخته نمی شود
- چون متهمین نامبرده معمولاً از اشخاص قدرتمند سیاسی و نظامی اند، بناءً زمینۀ فرار، اختفأ و یا اعمال نفوذ ایشان در اداره های بر سر اقتدار فعلی دول مربوط، بعضاً فراهم می باشد، یا تعدادی از آنان با استفاده از تسهیلات دولتی، خویش را به راحتی به ممالک غربی رسانیده و حال به خاطر آرام به زندگی راحت خود دوام میدهند.
- مصلحت های مانند " برقراری صلح و ثبات" و "جلوگیری از خونریزی بیشتر" باعث ایجاد فرهنگ معافیت و اغماض و هم بعداً ریشه یی شدن این فرهنگ در ممالکی می شود که در آن جا مهتمین مورد نظر تا حالا به محاکمه کشانیده نه شده اند، و یا این متهمین، مردم کشور های شان را گروگان گرفته اند
- یا بعضاً سیاسیون کشور های ذیربط در انتقال و سپردن متهمین به محکمه، بنابر منافع سیاسی شان بهانه تراشی میکنند و نیز به سبب هراس ازعام شدن فرهنگ تعقیب چنین متهمینی، دست به انتقال متهمین نمی یازند.
- فقدان نه، بلکه محدودیت بعضی امکانات و ابزار ها باعث شده است تا عده ای از این متهمین مؤقتاً از تعقیب در امان بمانند ولی باید دانست که عدم دسترسی مؤقتی محکمه به متهمین مربوط، افادۀ چشم پوشی از تعقیب و رسیدگی و یا تبرئۀ متهمین را ندارد و باید اطمینان داشت که متهم مخفی شده، فراری، مفقود و یاغایب، زمان نیز کمایی کرده نمی تواند زیرا اصل "مرور زمان ناپذیری" این سلسله از جرایم، چنین امکانی را منتفی ساخته است، یا برخی از گروه های سیاسی وسایل و مدارک اثباتیۀ جرمی رفقای ایدیو لوژیک و سیاسی شان را از بین برده و محوه می نمایند که به همین جهت بازماندگان قربانیان – بخصوص در کشور ما – سعی به جمع آوری و حفاظت این وسایل و مدارک می نمایند.
- یا برخی از این متهمین به جنایات ضد بشری، درمیان اعضای دائمی شورای امنیت ملل متحد ولی نعمت و حامی می داشته باشند که تعقیب و رسیدگی آنان را به تعویق بی اندازد، که این روش به دلیل توسعۀ مسؤولیت های ملی و بین المللی دول ذیربط اخلاقاً حالا به دشواری مورد استفاده قرار گرفته می تواند، دموکراتیزه شدن بیشتر دول جهان فرهنگ معافیت بین المللی نسبت به متهمین جنایات ضد بشری را خیلی محدود ساخته است و سران موجود دول تا حدودی حاضر نه خواهند بود ، بار خطا های اسلاف خویش را بردوش بکشند.
به طور اخص در افغانستان برای مردم ما مسئله از این جهت اهمیت دارد که ممکن است روزی همین محکمه بتواند به طرق اصولی، صلاحیت رسیدگی به قضایای جنایات بین المللی و ضد حقوق بشری ارتکاب یافتۀ ماقبل

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په ځیر و لولئ

سالهای۲۰۰۳(از ۱۳۵۷ه ش تا ۱۳۸۱ ه ش) در وطن ما را نیز بدست بیاورد و خون های ریخته شدهٔ میلیون ها هموطن بیگناه ما را حسابگیری کند و مسؤولین آن را به محاکمه بکشاند.
حال سازمان های کمک کننده برای آغاز و تسریع این جریان اگر مورد غضب و تظلیل قرار بگیرند، بدون تردید چنین حرکتی به نفع قاتلان خواهد بود و این موقف، یک عنصر خاطر اطمینان برای مرتکبین آن جنایات محسوب خواهد گردید، و قربانیان و خانواده های شان از این اقدام محکوم ساختن سازمان های بین المللی کمک کننده برای به محاکمه کشانی قاتلان فرزندان آنان، امیدوارنه شده و بلکه مأیوس خواهند گردید.
کمسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، تمام سازمان های اجتماعی مردمی به شمول جامعهٔ مدنی و نهاد های حقوق بشری، که بی صبرانه به آرزوی آغاز و اجرای عدالت انتقالی در کشور می باشند، توقع همکاری و پشتیبانی محکمهٔ با اعتبار آی. سی. سی. را می برند.
جامعهٔ بشری، نیرو های تخصصی و روشنفکری جهان، حقوقدانان انسان دوست و پیشرو که درصدد تأسیس و فعال شدن هرچه بیشتر آی. سی. سی. بوده اند، مگر این ها همه به کج راه رفته اند؟؟ مگر همه اشتباه و غلط کرده اند که برای تحقق عدالت بشری و تطبیق اصول حقوق بشری بالای مجرمان مرتکب به جنایات علیه بشریت چشم امید به آن محکمه دوخته اند؟؟
و اما از بی اعتبار سازی و تظلیل آی سی سی، مجرمان و قاتلان میلیون ها انسان بیگناه مخصوصاً در کشور بلا کشیدهٔ ما خشنود خواهند شد و نفس راحت خواهند کشید که یکی از مراجع مهم قضایی بین المللی که در صدد تعقیب و به محاکمه کشانی آنان است، دیگر باطل و عاطل شده است، چنین پیامد ذهنی و چنین تبلیغی، دادن اطمینان به متهمان این جنایات خواهد بود، جناب فیض که تحقق عدالت بالای قصیح القلب ترین جانیان و مرتکبین جنایات بین المللی را منتفی اعلام میدارند، هیچگونه بدیلی هم ارائه نه کرده اند، و به داد خواهان بازماندگان قربانیان این جنایات راه دیگری راهم پیشنهاد نه نموده اند که اگر آی. سی. سی. باطل و عاطل است پس برای دادخواهی به کجا باید رفت و اگر هیچ زمینهٔ تحقق عدالت میسر نیست پس صبر خدا کرده و از خون میلیون ها انسان بیگناه چشم پوشی نموده و دست قاتلان را به حیث برنده های این بازی های خون آلود بلند نمود و به دادخواهان عدالت حقوق بشری و عدالت انتقالی بگوئیم که همانطور که آقای فیض نتیجه گیری نموده اند، تحقق عدالت را در رویا ها جست و جو کنیم...

ادامه دارد.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولـئ